

هفته نامه راه کارگر

نشریه سیاسی - خبری کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
سردبیر : آرش کمانگر شماره 267 یکشنبه 3 مهر 1384 25 اوت 2005

بحران هسته ای و چالش های جدید

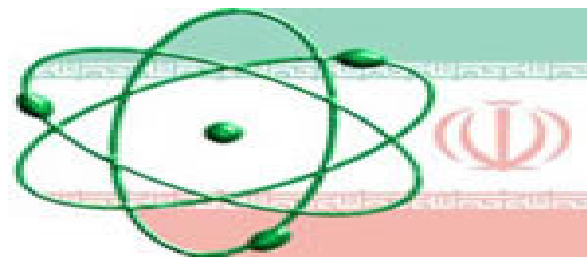
فراخوان شماره 7

" کارگران ایران تنها نیستند "

t.roozbeh@freenet

تقی روزبه

ص 8



تحریک " غرور ملی " دستاویز جدید رژیم !!

آرش کمانگر

مدتی است که حکومتگران جمهوری اسلامی، سعی دارند در منازعه مربوط به بحران فعالیت های هسته ای رژیم، با تحریک احساسات ناسیونالیستی و ایجاد غرور کاذب ملی، حمایت بخشهایی از مردم را جلب کنند و پشتیبانی آنها را در بازی خطر ناک هسته ای شان داشته باشند. سران رژیم همچنین با سنگر گرفتن در پشت شعارهای " استقلال طلبانه " در صدد جلب همدلی کشورهای " غیر متعهد " هستند که 12 کشور از آنها در حال حاضر عضو شورای حکام 35 عضو آژانس بین المللی انرژی اتمی میباشد.

بقیه در صفحه 5

سرانجام احمدی نژاد رئیس جمهور بیت رهبری، که ادعا کرده بود پیشنهادات تازه و راه گشایی درچنته خود دارد، دراجلاس سازمان ملل حضور یافت و ضمن انتقاد به سیاست مبتنی بر " آپارتاید هسته ای " حاکم برجهان، به تصمیم رژیم برای غنی سازی اورانیوم و دست یابی به انرژی هسته ای پای فشرد. او ضمن آن که دولت های خارجی را برای تأمین اعتماد و شفاف کردن فعالیت های هسته ای ایران به مشارکت در این پروژه فراخواند، هشدار داد که در صورت استفاده از تهدید زور و ارجاع پرونده ایران به سازمان ملل قطعا کشور او در همه مسیر حرکت خود در زمینه های هسته ای تجدید نظر خواهد کرد. احمدی نژاد حتی درسختانی تحریک کننده که به تقسیم گوشت شکار نشده می ماند- از انتقال دانش و تکنولوژی و سوخت انرژی هسته ای ارزان به سایر کشورهای اسلامی و امکان استفاده از سلاح نفت برای مقابله جوئی سخن به میان آورد. حمیدرضا اصفی سخنگوی وزارت خارجه نیز اعلام داشت، زبان تهدید و زور کارآئی نخواهد داشت و هرچه قدر تهدید ها و فشارها بیشتر شود نتیجه کار معکوس خواهد بود.

بقیه در صفحه 2

دیدگاه

باید، باید ... این رژیم کهنه سرنگون شود

احمد زاهدی لنگرودی

روزا لوگزامبورگ می گوید: جهان یا به سوی سوسیالیسم پیش می رود و یا به سمت بربریت! پس از فروپاشی بلوک شرق و پیروزی کامل نظام سرمایه داری بر جهان. نظم نوینی از سوی آن وعده داده شد که اکنون می رود تا ناظم خویش را نیز ببلعد. بحران کنونی در دنیای یک پارچه و بی هویت سرمایه داری بی شباهت به آن چه در دهه ی 30 و در پی بحران بزرگ اقتصادی در ایالات متحده پیش آمده، نیست.

بقیه در صفحه 6

ره یافتن به سوسیالیسم

(قسمت پنجم)

نوشته : هری مگداف و فرد مگداف

ترجمه : مرتضی محیط ص 11

گزارشی از ایدز در میان زنان دنیا

در صفحه 13

بحران هسته ای و ...

اقتدار اتمی از مشخصه آن است. علاوه بر این دستگاه ولایت که به مدد "کودتای انتخاباتی" قدرت کامل راقبضه کرد ه است، بر آن است که از طریق این بحران برای تثبیت موقعیت خود در نزد مردم و واداشتن رقبا به تمکین در برابر موقعیت برتر خود سود جوید. نباید فراموش کرد که سردمداران نظام اسلامی در بحران آفرینی و بهره گیری از بحران برای تثبیت موقعیت لرزان خود، نظیر تسخیر سفارت آمریکا و یا جنگ با عراق که آن را برکت الهی نامیدند، ید طولانی دارند. اکنون هم وقتی مشاور احمدی نژاد می گوید که مساله هسته ای مانند ملی شدن صنعت نفت در حال تبدیل شدن به غرور ملی است، و یاعلی لاریجانی به دولت انگلیس می گوید که از تجربه دوران مصدق و ملی شدن صنعت نفت درس بگیرد، دقیقا دارند بر همین جنبه از خواص بحران اشاره می کنند. در چنین شرایطی مانورهای دیپلماتیک حکومت اسلامی برای پوشش قانونی دادن به اهداف خود، گشاده رونی در دادن امتیازات کلان اقتصادی به پاره ای کشورها (مانند قرارداد چند ده میلیاردی با چین و هند و نیز با روسیه) خطر افزایش جهشی قیمت نفت و دوام و بقاء بازار روسیه انگیز چنده میلیارد دلاری ایران، از عوامل دیگری است که موجب تشنت در صفوف دولت های غربی می گردد. البته نباید فراموش کرد که علیرغم مهارت در برکابگیری برخی مانورها توسط رژیم، تناقضات در گفتار و کردار سردمداران رژیم خود افشاگر ماهیت اهداف و نیات باطنی آن ها بوده و دایما برای سیاست ها و ادعاهای رسمی خود رژیم در سراپاد می کند. یک نمونه برجسته آن سخنان نابهنگام و تهدید آمیز اخیر علی لاریجانی در تهدید به شروع غنی سازی نظیر خروج از معاهدات بین المللی بود که موجب نگرانی بلوک کشورهای غیر متعهد در آژانس و افزایش احتمال تمکین آن ها به پذیرش قطعنامه اروپا شده بود که با سفر و مأموریت عجولانه آقازاده به وین و عده و عیدهای وی مبنی بر رعایت مقررات آژانس ارجاع پرونده به سازمان ملل برای مدتی به تأخیر افتاد. در هر حال از "دست آوردهای" نبوغ آمیز رژیم ایران را می توان نزدیک کردن هر چه بیشتر سیاست های اروپا و آمریکا بیکدیگر دانست.

تاکتیک غرب:

واقعیت آن است که برای غرب و بسیاری از کشورهای دیگر دست یابی ایران به تسلیحات هسته ای قابل قبول نیست. مواضع روشن و شفاف احمدی نژاد نیز هرگونه امید به عقب نشینی رژیم را در نزد آنان بیاد داد و این البته در شرایطی است که عواقب سیاست یک جانبه گری و تهاجمی نوحافظه کاران آمریکا بشدت آن ها را دچار بحران و مخصمه بزرگی کرده است. برای آن ها دشوار است که همزمان با بحران عراق در نقطه حساس و به مراتب خطرناک تری چون ایران وارد عملیات نظامی بشوند. نه اینکه از نظر ساز و برگ نظامی و وارد کردن ضربات سنگین و نابود کننده مشکلی داشته باشند، بلکه بیمناک از پی آمدهای گسترده و غیر قابل محاسبه عمل خود در منطقه و جهان هستند. در چنین شرایطی آن ها ناچارند یک استراتژی فرسایشی درازمدت، همه جانبه و اساسا مبتنی بر فشارهای سیاسی-اقتصادی رابصورت گام بگام و مرحله به مرحله با اجرا در آورند.

گرچه هنوز نمی توان از توافق نهایی حول تمامی مراحل و اجزاء چنین نقشه ای سخن به میان آورد، اما می توان رونوس آن را تا آن جا که مشهود است، بشرح زیر دریافت:

الف- مساله خطر ایران اتمی در رسانه های تبلیغی و در نهاد های بین المللی آن چنان دامن زده شود تا بعنوان حادثه ترین معضل بین المللی و مهم ترین عامل تهدید کننده صلح جهانی کانونی شود. بعنوان وجه مکمل این رویکرد، دولت آمریکا به همراهی کشورهای اروپایی و برخی کشورهای مهم جهان سعی می کنند

عکس العمل جهان غرب در برابر مواضع رژیم نیز بنوبه خود حاکی از خشم و ناامیدی بود. گاردین آنرا نافرمانی هسته ای ایران نامید و وزیر خارجه انگلیس حرکتی مایوس کننده، اتحادیه اروپا ارجاع موضوع هسته ای ایران به شورای امنیت را تنها راه باقی مانده دانست. معاون وزیر خارجه آمریکا اعلام داشت ایران جانی برای دیپلماسی باقی نگذاشت.

گرچه الزام آور شدن ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت و صدور قطعنامه ای علیه رژیم ایران در آژانس هسته ای وجه مشترک واکنش های اروپا و آمریکا را تشکیل می داد، اما نمی توان پنهان نگهداشت که در مقایسه با مواضع قاطع و تحریک کننده رژیم تاحدی آرام و احتیاط آمیز بود. چنان که انگلیس اعلام داشت تنها راه حل موضوع هسته ای ایران، راه حل دیپلماتیک است. وزیر امور خارجه آمریکا از وارد کردن رژیم ایران برای بازگشت به مذاکرات سخن به میان آورد و معاون وی گفت که معلوم نیست که ارجاع پرونده ایران چه زمانی اتفاق خواهد افتاد و بستگی به پیشرفت مذاکرات با تهران دارد و البرادعی خواستار ادامه مذاکرات سه کشور و ایران شد. در مقابل کشورهای چون روسیه و هند و چین و آفریقای جنوبی و بلوک غیر متعهد ها مخالف ارجاع پرونده حداقل در شرایط کنونی- به شورای امنیت بوده و خواهان حل و فصل مساله در چهار چوب آژانس هستند. گرچه بر اساس آخرین تحولات مربوط به این ماجرا، اروپا و آمریکا در وضعیت کنونی ناچار شدند که بجای پای فشردن به ارجاع پرونده به شورای امنیت به دادن هشدار به رژیم ایران بسنده کنند. اما شمشیر ارجاع این پرونده به شورای امنیت در مراحل بعدی هم چنان بر فراز سر حکومت ایران آویزان است. در نخستین واکنش سخنگوی وزارت امور خارجه قطعنامه شورای حکام را غیر قابل قبول خوانده و اعلام کرده است که واکنش های احتمالی رژیم در روزهای آینده اعلام خواهد شد.

بی تردید در پی تحولات جاری بحران هسته ای ایران که قبل از این هم ابعاد کمابیش بین المللی داشت با اعلام مواضع جدید رژیم واکنش های متقابل آن، وخامت بازم بیشتر یافته و وارد دور تازه ای از کشمکش های فرسایشی شده که تشدید فشار سنگین دیپلماتیک، چانه زنی ها، تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی، بهمراه چاشنی تهدیدهای نظامی از مشخصات آن است.

در اینجا نگاهی داریم به ویژگی های این بحران در فاز جدید:

آغاز فعالیت یو سی اف اصفهان و اتخاذ سیاست جدیدی که علی لاریجانی سرپرست تیم جدید آن را بازی برد-برد می خواند، نخستین گام در پایان دادن به سیاست تعلیق فعالیت هسته ای بود که پس از گذشت دو سال از شروع آن و مذاکرات بی حاصل صورت گرفت.

دو عامل بین المللی و داخلی عزم رژیم را برای پایان دادن به تعلیق و ادامه دست یابی به چرخه کامل سوخت هسته ای تقویت کرده است:

نخست و خامت بحران جنگ عراق و تاحدی افغانستان که موجب پی آمدهای مهمی در سطح جهان و در داخل آمریکا علیه سیاست یک جانبه گری و میلیتاریستی نوحافظه کاران آمریکا شده است و دیگری تحولات عرصه سیاست داخلی است که قبضه کامل قدرت و اهرم های اجرایی توسط دستگاه ولایت و مدافعان

بحران هسته ای و ...

باصطلاح غیرنظامی فوق اگر خوب و مطابق نقشه پیش برود، درنقطه ای مناسب-اگر ضرورت ایجاد کرد- می تواند با اقدامات نظامی همراه شده و به سرانجام نهایی خود برسد ، با این همه درشرایطی دیگر استفاده ازگزینه نظامی محدود و هدفمند، درصورت به بن بست رسیدن راه های پیشروی باصطلاح غیرنظامی و درصورتی که رژیم به اقدامات عملی و تحریک کننده در دست یابی به اهداف خود مبادرت کند، یک خطرواقعی خواهد بود.



آن چه که اکنون به عنوان مهم ترین معضل در برابر قدرت های غربی قرار دارد، این است که ضمن پیشبرد همه جانبه و گام به گام این نبرد فرسایشی آن را چگونه عملی کنند که موجب خروج رژیم از زیر نظر ت های کنونی ناشی از حضور در پیمان های موجود و لاجرم تکرار تجربه کره شمالی نگردد. چرا که جمهوری اسلامی هر آن ممکن است که در یک اقدام مقابله به مثل-همان طور که خود بارها تهدید کرده- به واکنش های رادیکالی نظیر خروج از آژانس و عدم پای بندی به تعهدات آن و بویژه پروتکل الحاقی و شروع فعالیت غنی سازی درنظنر، مبادرت ورزد. نباید فراموش کرد که جمهوری اسلامی شرایط کنونی را از جمیع جهات بهترین فرصت برای تکرار الگوی کره شمالی و تحمیل خود بعنوان قدرتی دارای فن فرآوری کامل اورانیوم می پندارد. تأمین اجماع جهانی و در نظر گرفتن چنین خطری دو نکته ای که اقدامات دولت آمریکا و اروپا را مشروط می کند. چرا که بدون اولی اقدام کارساز علیه رژیم ایران چندان کارساز نخواهد بود و بدون در نظر گرفتن دومی ممکن است شتاب بحران آهنگی بیش از توان مقابله بالفعل آن ها بخود بگیرد. تهدید و تردید ها و مواضع سفت کن و شل کن و متغییر اروپا و آمریکا در لحظات کنونی ناشی از همین واقعیت است.

تاکتیک های رژیم

چنان که بر همگان روشن است، رژیم جمهوری اسلامی اهداف واقعی خود، یعنی دست یابی به اقتدار اتمی را، در پشت اهداف باصطلاح صلح آمیزی انرژی هسته ای پنهان ساخته است. چنین اهدافی نه فقط در کشوری سرشار از ذخایر نفتی و گازی چون ایران، در نوع سرمایه گذاری سنگین و غیر اقتصادی در تأسیسات هسته ای و در تمایز مشهود بین یک پروژه معطوف به تولید انرژی سوخت هسته ای برای هدف های غیر نظامی- که اگر وجود می داشت نحوه پیشروی دیگرگونه ای را می طلبید- و پروژه کنونی معطوف به هدف های نظامی مشهود است، بلکه از لابلای رفتار و سخنان سردمداران نظام- اعم از سیاسی و نظامی- در طی سال های گذشته و اکنون نیز مشهود است. سمت گیری و تحولات قدرت سیاسی نیز مزید بر علت شده است. بطوری که حذف و بیاتضعیف کامل موقعیت اصلاح طلبان و پراگماتیست ها در ساختار قدرت، هرگونه امید به استحاله سیاست های رژیم را بسود سیاست های کشورهای غربی در چشم انداز کنونی به یأس مبدل ساخته است.

که فتیله بحران های دیگری نظیر کره شمالی، بحران خاورمیانه، حتی در صورت امکان عراق را پانین کشیده و نیز اختلاف های بین اروپا و آمریکا را بحداقل برسانند تا بتوانند حداکثر نیرو و توان خود را حول مقابله و حل بحران هسته ای ایران بکارگیرند. گواهی که از جهتی دادن امتیاز به کره شمالی خود موجب تشویق دنبال کردن الگوی کره شمالی توسط رژیم ایران می گردد. اما این گونه اولویت بندی ها، بدلیل موقعیت آسیب پذیر دولت آمریکا اجتناب ناپذیر است. در هر حال کانونی کردن خطر ایران یک اقدام اولیه و ضروری برای جلوگیری از پیشروی خزنده ایران بسوی اهداف خود و عنصر تسهیل کننده برای دست

یابی به یک اجماع جهانی بشمار می رود

ب- در راستای چنین اجماعی تلاش های فشرده ای برای برای منزوی ساختن هر چه بیشتر رژیم بویژه تلاش آن برای دورزدن اروپا و عقیم گذاشتن نگاه به شرق آن، از طریق همراه ساختن کشورهای چون چین و هند و شوروی و... از طریق تطمیع و فشار- با سیاست های غرب در جریان است. نباید فراموش کرد که با تزلزل موقعیت جهانی تنها ابر قدرت جهان، تمایلات گریز از مرکز آندسته از کشورهای و بلوک های بالقوه رقیب آن، زمینه مساعدتری برای عرض اندام پیدا کرده و خواهند کرد. آن ها مایل نیستند که با معضلات جهانی بشیوه دولت آمریکا و مطابق امیال وی برخورد کنند. باین همه تأثیر اهرم های اقتصادی و سیاسی دولت آمریکا و تاحدی اروپا بر روی سیاست های آن ها را نباید نادیده گرفت. بویژه در شرایطی که روش ها و عملکرد رژیم اسلامی تهدید آمیز باشد.

ج- اعمال فشار سنگین به رژیم ایران از طریق تحریم های سیاسی و اقتصادی و بستن تدریجی گلوگاه های رژیم، یعنی از طریق بکارگیری یک سیاست تحریم هدفمند و "هوشمندانه" تعمیق یابنده باهدف به تحلیل بردن تدریجی مواضع استراتژیکی اقتصادی و توانانی های تکنیکی رژیم. بکارگیری سیاست فوق به معنای برقراری یک جنگ سرد تمام عیار جهانی به رهبری دولت آمریکا علیه رژیم است. بی تردید در رأس چنین تلاشی مسدود کردن گلوگاه های تأمین نیازهای تکنوژیکی رژیم و توان اقتصادی او قرار دارد که اساسا متکی به نفت است.

د- در همان حال دولت های غربی تلاش خواهند کرد که این کار را- همانند تجربه به تحلیل بردن توانانی های دولت عراق- بهمراه افزایش بازرسی ها و افزایش نظارت رسمی انجام دهند و بهمین دلیل به چنان سیاستی چندوجهی و پیچیده نیاز دارند که اعمال یک وجه موجب مسدود شدن پیشروی در وجه دیگر و از جمله مسدود شدن مجاری نظارتی فشرده نشود. هدف فوق در قطعنامه پیشنهادی اروپا به صورت دسترس کامل به دانشمندان، مکان ها و اطلاعات در هر زمانی که آژانس تشخیص دهد، مطرح شده است.

د- همزمان آن ها مشوق های اقتصادی را در بالای سر رژیم نگه می دارند تا هم بر تشتت اراده و تضادهای داخلی آن دامن بزنند و هم افکار عمومی جهان را با خود همراه سازند.

ه- به موازات سناریوی فوق نشان دادن چنگ و دندان و استفاده از تهدید و گزینه نظامی- حتی تاحد بهره گیری از سلاح های تاکتیکی و کوچک هسته ای- و تقویت اپوزیسیون مطلوب نظر آنان، و بکارگیری انواع جنگ روانی و تحریکات و بهره گیری از نارضایتی های داخلی از نظر این استراتژی اساسا فرسایشی دورنمی ماند. گرچه در نزد دولت آمریکا پروسه

بحران هسته ای و ...

پایه دیگر تاکتیک رژیم، چوب حراج زدن به منابع نفتی و مشارکت دادن دست و دل بازانه پاره ای از کشورهای دیگر در قراردادهای کلان وده ها میلیارد دلاری نفتی است تا بتواند از حمایت و قدرت چانه زنی آن ها در سطح جهانی سود جوید. علاوه بر این رژیم در داخل کشور سعی می کند هدف خود را بعنوان اقتدار ملی وانمود کرده و با تهیج احساسات عمومی موقعیت خویش را مستحکم کند و در سطح افکار عمومی کشورهای جهان و بویژه کشورهای اسلامی آن را بعنوان مبارزه علیه قدرت های امپریالیستی قلمداد نماید. در همین رابطه تلاش می ورزد که از سیاست های تبعیض آمیز و دوگانه کشورهای سرمایه داری در برخورد با سایر کشورها و انحصار زرادخانه اتمی در دست خود بهره گیرد.

مقابله با سیاست های رژیم و اهداف قدرت های امپریالیستی راه آسان و سهلی در برابر مدافعان آزادی و برابری و اپوزیسیون دمکرات وجود ندارد. آن ها همزمان هم باید هم علیه رژیم اسلامی مبارزه کنند و به مقابله با هدف های جاه طلبانه و ارتجاعی آن برخیزند و هم علیه اهداف امپریالیستی و دولت های غربی و سیاست های میلیتاریستی و تبعیض آمیز آن ها.

برای مدافعان آزادی و برابری و صلح، و جهانی عاری از بربریت و سلاح های کشتار جمعی، خلع سلاح اتمی و انهدام سایر سلاح های کشتار جمعی، علیه جنگ و میلیتاریسم و علیه نظامی که بدون چنین سلاح هائی قادر به ادامه حیات و تأمین منافع خود نیست، یک هدف بنیادی است. آن ها نه فقط علیه دارندگان چنین سلاح هائی مبارزه می کنند بلکه هم چنین علیه آن ها که در جستجوی دست یابی به چنین سلاح های هستند، نیرمبارزه می کنند. وجود فقر و سیاه روزی گسترده و شرم آور بر روی کره خاک باصرف بودجه ها و منابع سرسام آور انسانی برای تولید و حفظ و بکارگیری سلاح های کشتار جمعی، رابطه تنگاتنگی دارد. باید باتمام توان علیه چنین نظامیگری بطور اعم و علیه نظامیگری رژیم جمهوری اسلامی بطور اخص به مبارزه برخاست. و در این راستا باید تمامی طرفدهای رژیم نظیر پیوند زدن آن با اقتدار ملی، استقلال طلبانه و استفاده صلح آمیز از افساء کرد. ادعای رژیم و شخص خامنه ای مبنی بر این که داشتن سلاح اتمی را حرام و غیر شرعی اعلام کرده است، در نظامی که در آن جان و مال مردم درید قدرت ولی فقیه است و اولویت "مصلحت نظام" ما فوق تمامی اولویت های دیگر قرار دارد، پیشیزی ارزش ندارد. در چنین نظامی حرام شرعی می تواند تنها در یک آن به حلال شرعی تبدیل شود (بهمان سانگی که مثلا در مورد ماهی "اوزن برن" صورت گرفت). علاوه بر آن، چنان که تجربه نشان داده است، تأمین ایمنی راکتورهای هسته ای حتی اگر با هدف غیر نظامی صورت گیرد - دارای چنان شرایط سخت ایمنی و متضمن خطرات انتشار رادیو اکتیو است، که حتی برای کشورهای پیشرفته صنعتی هم معضلی جدی بشمار می رود تا چه برسد به حکومت هزار سری چون رژیم ایران که در آن جت های نظامی سپاه پاسداران برای تهدید و بستن فرودگاهی که دولت افتتاح می کند، به پرواز درمی آید.

هم چنین باید با تبدیل کردن بحران هسته ای به بحرانی در خدمت تثبیت مشروعیت نظام به مبارزه قاطع برخاست و نشان داد که تلاش برای بر آوردن چنین سودائی نتیجه ای جز ایجاد فضای امنیتی و سرکوب و افزایش فقر و فلاکت و گسترش بی سابقه تهدیدهای برون مرزی برای کشور حاصلی ندارد.

* با ما ارتباط بگیرید *

سر دبیر هفته نامه

arash.k@rahekargar.net

روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن عمومی سازمان

49 -40 -6777819

شماره فاکس سازمان

33-1-43455804

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.com

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

توجه : مقالاتی که با کد " دیدگاه " مشخص میشوند ، الزاما بیانگر مواضع سازمان نیستند .

84.07.02-05.09.24

خود و اختفای نیروگاههای نطنز و اراک و اصفهان - و اخیراً مرکز تحقیقات مستقر در دانشگاه مالک اشتر نداشت.

واقعیت این است که جمهوری اسلامی، سخت به کارایی مدل کره شمالی و باور دارد. بر مبنای این دکترین، سلاح اتمی، واکسن مادام العمری است که می تواند حیات رژیم را در برابر تهاجم احتمالی " شیطان بزرگ " تضمین کند، غافل از اینکه تا رسیدن به این نقطه - یعنی قابلیت تولید سلاح هسته ای - چند و شاید چندین سال فاصله دارد و آمریکا و متحدین او در این فرجه زمانی، به هیچوجه اجازه چنین کاری را به رژیم ایران نخواهند داد، آنهم در شرایط حساس کنونی که کشور ما عملاً به محاصره نظامی آمریکا در آمده و نئو محافظه کاران حاکم بر کاخ سفید، مترصد فرصت اند که مانع رژیم اسلامی را از پیش پای بر دارند و طرح " خاور میانه بزرگ" را جامه واقعیت بپوشانند. اظهارات گاه و بیگاه مقامات ریز و درشت رژیم مبنی بر حق برخورداری از سلاح اتمی و از جمله اظهارات اخیر" دریا دار شمع خانی" مبنی بر ضرورت برخورداری از یک پدافند اتمی، به روشنی دم خروس را نشان میدهد. با این همه حتی اگر قصد رژیم از غنی سازی اورانیوم و نصب پی در پی دستگاههای سانتریفوژ، صرفاً مسالمت آمیز باشد!! باز باید با آن مخالفت نمود، نخست بدین خاطر که کشور ما دارای منابع عظیم انرژی و در رأس آنها گاز و نفت است و نیاز چندانی به راه اندازی پر هزینه نیروگاههای هسته ای و برباد دادن سرمایه کشور و ریختن آن به حلقوم کشورهای پیشرفته سرمایه داری (کلپو دارندگان و تولید کننده گان تکنولوژی هسته ای) ندارد. تنها کفایت بدانیم که پروسه سی ساله احداث نیرو گاه اتمی بوشهر (که هنوز هم راه نیفتاده) تا کنون چندین میلیارد دلار خرج برداشته بی آنکه حتی یک کیلووات برق تولید کرده باشد.

دوم اینکه جمهوری اسلامی یک رژیم به شدت ضد مردمی، بی برنامه و بحران زده است که ضمانت کافی در مورد حفظ سلامت مردم مناطق اطراف نیروگاههای هسته ای نمیتواند ارائه کند. این رژیم وقتی در تمام 26 سال گذشته، از حل کوچکترین معضلات اجتماعی و طبیعی ناتوان بوده، چگونه می تواند از بروز یک فاجعه اتمی و رادپو اکتیوی نظیر حادثه نیروگاه چرونوبیل در اوکراین که تأثیرات آن چندین نسل بر جای خواهد ماند، ممانعت کند؟ و بعلاوه با زباله های ناشی از سوخت هسته ای و هزینه سرسام آور دفن آنها و خطرات زیست محیطی دامنه دار و دراز مدت این تفاله های سمی چه خواهد کرد؟

بنابراین حتی اگر دعاوی صلح طلبانه سران رژیم را باور کنیم، کشور ما در حال حاضر نیازی به چنین ریسک خطرناکی ندارد. بعلاوه اصرار بر ادامه این تلاشها، مردم ر و منابع کشور را در معرض تهاجم نظامی امپریالیسم آمریکا و متحدینش- بویژه اسرائیل- قرار خواهد داد. تاوان اجتماعی و زیست محیطی چنین تهاجمی را قطعاً هزاران و شاید میلیونها تن از مردم محروم و زحمتکش ایران خواهند پرداخت. تردیدی نیست که امپریالیستها در این مناقشه، آشکارا زور می گویند و سیاست تبعیض آمیزی را به پیش می برند. آمریکا در حالیکه بر اتمی شدن دو مهره حساس خود در خاور میانه یعنی پاکستان و اسرائیل چشم پوشیده و فراتر از آن به ایندو کشور یاری رسانده است و بعلاوه در حالیکه خود دارای

تحریک " غرور ملی" ...

" شورای حکام" تنها در صورت کسب دو سوم آراء می تواند پرونده تلاشهای هسته ای رژیم ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهد.

در این راستا احمدی نژاد و هیات همراه در جریان شرکت در اجلاس سران سازمان ملل متحد در نیویورک، عوامفریبی را با به آنجا رساندن که فعالیتهای عمدتاً محرمانه هسته ای رژیم اسلامی برای دستیابی به فن آوری هسته ای و از جمله ساخت تسلیحات اتمی را با جنبش ملی کردن صنعت نفت مقایسه کرده و جلوگیری از آنرا توهین به " غرور ملی" ایرانیان و نقض استقلال این کشور ارزیابی نموده است. در این رابطه لاریجانی (دبیر شورای امنیت رژیم و مسئول مذاکرات هسته ای با اتحادیه اروپا) در یکی از جلسات حاشیه ای اجلاس سازمان ملل در پاسخ به یک خبرنگار کنجاو که پرسیده بود: " وقتی حکومت شما، حتی از نامگذاری یک کوچه بنام دکتر مصدق ابا داشته، چگونه است که اکنون اقدام خود را به نهضت ملی او تشبیه می کنید؟" در یک ژست تمام عیار ناسیونالیستی و عوامفریبانه، گفت که " لزومی به نامگذاری یک کوچه بنام دکتر مصدق نیست، زیرا او در قلب ما جای دارد!!"

بدین ترتیب عوامل رنگارنگ رژیم اسلامی که تا همین دیروز موجی از لجن پراکنی های مشمئز کننده را نثار مصدق می کردند و اندر ستایش آیت الله کاشانی یکی از حامیان و مشوقان کودتای 28 مرداد 32 مدح ها می گفتند و بعلاوه در چند ساله اخیر، دو بار طرح لغو تعطیلی 29 اسفند (سالروز ملی شدن صنعت نفت ایران) را به مجلس برده بودند تا در صورت عدم واکنش های اعتراضی مردم آنرا به تصویب رسانند (که شکست خوردند) به یکباره عطش جون آمیز خود برای دستیابی به سلاح اتمی و قرار دادن کشور ما در معرض تهاجم آمریکا، اسرائیل و ... را با نهضت مردمی و استقلال طلبانه کشور ما در سالهای 29 تا 32 مقایسه می کنند و منازعه مربوط به پرونده هسته ای ایران را با پرونده نفتی ایران در دادگاه لاهه (در دوره نخست وزیری دکتر مصدق) تشبیه می نمایند.

سران رژیم که حفظ قدرت سیاسی به هر قیمت و بقول خمینی، مصحت حفظ نظام را بالاترین مصلحت ها می دانند، به خیال خود - آنهم در اوج انزوای خفه کننده داخلی و بین المللی- بفکر مصدق افتاده اند تا پشت سنخ او اقدام به بر انگیزدن احساسات ناسیونالیستی در بخشهایی از مردم نمایند. اما مردم آگاه، مبارز و به تنگ آمده از جهنم جمهوری اسلامی میدانند که با هیچ سریشمی نمی توان بازی خطر ناک هسته ای رژیم ولایت مطلقه فقیه را با جنبش غرور انگیز ملی کردن صنعت نفت مقایسه کرد.

مردم ایران میدانند که سران رژیم، به مدت دو دهه کلیه تلاشهای پر هزینه خود در زمینه دستیابی به فن آوری هسته ای را از چشم ایرانیان و جهانیان پنهان نگه داشتهاند. این رژیم اگر ربگی در کفش نداشت و آنطور که خود ادعا می کند قصد تولید تسلیحات اتمی را ندارد، دلیلی برای مخفی نگه داشتن فعالیتهای هسته ای

باید، باید ... این رژیم ...

با این تفاوت که امروز به دلیل تک قطبی شدن جهان، تمامی آدمیان با بحران به شکل مستقیم درگیر می شوند. کارگران بی کار آمریکایی و اروپایی به جنگ پاپتی های افغان و عراقی می روند تا هرکدام که زنده ماندند. حافظ منافع ارباب بزرگ سرمایه شوند. نبرد، نبرد نابرابری است، چون همیشه! گویی تمامی دستاوردهای بشری تاکنون به یک باره بر سر سهم بیشتر زیاده خواهان از منابع طبیعی که می بایست به تساوی قسمت شود، از بین می رود و این چندان مهم هم نیست که مجسمه های بودا در افغانستان تخریب می شوند و در پی 30 سال جنگ در آن کشور چیزی از فرهنگ و هویت مردم باقی نمی ماند و یا موزه های ملی عراق مورد هجوم و دستبرد قرار می گیرند و یا در بزرگ ترین زندان جهان، ایران، پاسارگاد نام می گیرد تا سدی تامین آب نماید و بهانه ی حکومت این شود که: یا سد و یا فرهنگ، و اگر فرهنگ، پس برق با اتم، و اگر اتم پس جنگ.... و این قصه ی تکراری سر درازی داشته و دارد!

ایران سرزمینی از خاکستری ها است. از حادثترین طیف تا نرم ترین طیف خاکستری. ایران بر فراز شاهراه حیات جهان، تنگه ی هرمز، که محل عظیم ترین ترانزیت دریایی نفت است قرار گرفته است. از دیگر سو ایران نزدیک ترین و عمومی ترین راه ارتباطی شرق و غرب در طول تاریخ بوده و است. بنابر این ایران خود خاورمیانه است. زمانی که صحبت از خاورمیانه به میان باشد، ایران در مرکز گفتگو جای دارد. اگر ایالات متحده در حمله به افغانستان یا عراق مخالفانی مهم از کشورهای قدرتمند غربی داشت در حمله نظامی و یا تحریم اقتصادی ایران وضعیت کاملاً متفاوت است. بحث در این جا برخلاف آن چه علی لاریجانی بیان می دارد شباهتی به کره ی شمالی که نقشی در مناسبات اقتصادی و منافع ملی کشورهای حامی سرمایه داری نداشت، ندارد. منافع سرمایه داری جهانی ایجاب می کند که بازار را در زمان پیاده ساختن سرمایه داری پسماندن گسترش دهد و گسترش بازار یعنی ایجاد امنیت در کشورهای در حال توسعه. اگر آن ها که خود ناقض دموکراسی هستند، امروزه با این شعار عوامفریب در پی ایجاد امنیت اقتصادی برای خودشان در کشورهای پر جمعیت و در حال توسعه، از هیچ اقدامی فروگذار نمی شوند، این بابت تغییری است که در ساختار قدرت در جهان پدید آمده. حکومت جمهوری اسلامی تا زمانی که خطر گسترش کمونیسم از سوی شوروی برای مافیای سرمایه داری جهانی وجود داشت، بخشی از طرح کمر بند سبز بود و خوب بود و به کار آنان می آمد. اکنون اما وضعیت دگرگون گشته است. گرچه خانم رایس همانند علی لاریجانی که کره شمالی را به رخ آمریکا می کشد، کره شمالی را برای حکومت ایران مثال می آورد، اما واضح است که این تعارفات سیاسی نمی تواند چندان به درازا کشد و جایی که منافع سرمایه داری ایجاب نماید، تغییر سریع رخ خواهد داد. آن گونه که مردم در ستم چشم می گشایند می بینند برده ی دیگری شده اند. پس راهی نمی یابند جز این که فضا را ناامن کنند تا سرمایه داری به خواسته اش نرسد. گرچه ساختار معین و منظم سرمایه در بسیاری موارد از همان نا امنی ها هم به نفع خود سود می برد، اما دست آخر، پیروزی نهایی خوش را با ساخت بازار امن و مطمئن نوید می دهد. هر اقدامی در این میان به ضرر مردم و ستمدیدگان است که بیشتر مورد فشار و

بزرگترین زرادخانه هسته ای جهان است و تنها حکومتی است که تا کنون از بمب و سلاح اتمی بهره جسته و حتی پنجاه سال پس از فاجعه ناگازاکی و هیروشیما، به اعتراف مقامات پنتاگون در جریان جنگ اول و دوم خلیج علیه عراق از اورانیوم تقلیل داده شده استفاده کرده است و مهمتر از همه سرسخت ترین کشور در برابر جنبش صلح طلبانه بین المللی برای محو کامل سلاحهای کشتار جمعی محسوب می شود و قصد دارد در یک دهن کجی آشکار، دایره مسابقات تسلیحاتی را به فضا نیز بکشد (طرح جنگ ستاره گان در دوره ریگان و جورج بوش اول و طرح " سپر دفاعی " در دوره جورج بوش پسر) چگونه است که در برابر تلاشهای هسته ای عراق و لیبی در گذشته و ایران و کره شمالی در حال حاضر، سیاست " تحمل صفر " را به پیش می برد؟

بنابراین مخالفت با جمهوری اسلامی، نباید به معنای حقانیت دادن به سیاست های دابل استاندارد گونه آمریکا و متحدینش در آژانس بین المللی اتمی فهمیده شود. اما مخالفت با سیاست های امپریالیستی و تبعیض گرایانه هم نباید به معنای تأیید ضمنی تلاشهای رژیمهای مرتجع و مستبدی چون رژیم ولایت فقیه پنداشته شود. ما باید با هر گونه تلاش رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی برای راه اندازی نیروگاهها و تکنولوژی اتمی (خواه نظامی ، خواه مسالمت آمیز) مخالفت کنیم. ما بجای تأیید پزهای " ضد امپریالیستی " ناسیونالیستی و " استقلال طلبانه " رژیم درمانده، باید از " جهانی عاری از سلاح " بویژه سلاحهای اتمی، شیمیائی و میکروبی دفاع کنیم و مخالفت با جنگ و دفاع از صلح را بر پرچم مبارزاتی خود (پرچم نان، آزادی ، برابری) حک کنیم .

چپ جامعه باید با در پیش گرفتن این سیاست مستقل و راه سوم ، هم به رژیم ایران و هم به رژیم آمریکا نه بگوید و از آرمانهای نیکوی بشری دفاع کند. حکومتهای ایران و آمریکا، بازی خطرناکی را شروع کرده اند ، یکی برای حفظ خود و دیگری برای تحکیم و توسعه سیادت خود، برماست که نگذاریم این منازعه دو نیروی مرتجع جهان سرمایه داری، هستی میلیونها تن از مردم ایران و منطقه را بخطر اندازد !

20 سپتامبر 2005



گروه های مستقل مردمی که هنوز هم ادامه دارد، نشان داد که این تشکل ها توانایی بیشتری از حکومت اسلامی در نیل به خواسته های مشترک جمعی شان داشته و دارند. اکنون در آستانه ی بحرانی قرار گرفته ایم که نیازمند استفاده از تمام تجربیات پیشین هستیم. بحران پیش رو بحران کسب قدرت نخواهد بود، بحران حفظ بقا و هویت و تمدن و فرهنگ و اقتصاد ملی مردمی دیرین و بزرگ است. می بایست این بحران را به پدیدآورندگان آن ارجاع داد و در پی ساختن نو از پی انداختن کهنه بود. کاری که مردم ایران در طول تاریخ بارها دست به انجام موفق آن زده اند و خواهند زد.

باید، باید این رژیم کهنه سرنگون شود...



در شبکه جهانی پالتاک برگزار شد

اتاق ایران سوسیالیست فوروم

جمعه 23 سپتامبر

زندان و مقاومت در زندانهای جمهوری اسلامی

اکبر شالگونی

ساعت ۸ تا ۱۲ شب به وقت اروپای مرکزی

یکشنبه 25 سپتامبر

نقش زنان در هنر معاصر

گیسو شاکری

ساعت ۸ تا ۱۲ شب به وقت اروپای مرکزی

**<http://www.socialist-forum.com>
email:socialist_forum@yahoo.com**

ستم قرار می گیرند. هم با حمله ی نظامی احتمالی و هم در صورت محاصره اقتصادی - سیاسی ایران، این حکومت جمهوری اسلامی است که قدرت بیشتری در داخل پیدا می کند تا به سرکوب و ارباب دامن زدن و این مردم ستمدیده هستند که توان گرفتاری هایی را خواهند داد که خود در هیچ حالت دخالتی در آن ندارند. حکومت جمهوری اسلامی قصد دارد با تعریف جدیدی از برنامه ی هسته ای خود آن را خواسته ی اراده ی جمعی مردم ایران بنمایاند، در حالی که خود این حکومت هیچ گاه برآمده از آرای واقعی مردم و نماینده ی جمعی آنان نبوده است. حکومت جمهوری اسلامی با امید به سازش و با استفاده از اهرم ضعیف غیر متعهدها در برابر ایالات متحده با امید فتح بازار ایران با اهرم شورای امنیت در دوسوی مناقشه ی هسته ای ایران چنگ و دندان نشان می دهند. و هیچ کدام از ابزار دمکراتیکی برای پایان بحث برخوردار نیستند. چرا که نماینده ی دمکراتیک مردم نیستند. چرا که دمکراسی شعاری پوچ و مضحک است در دست هر دو گروه. ایالات متحده از عدم دمکراسی در ایران گله مند است و آنگاه احمدی نژاد خود را در خاک آن کشور نماینده ی منتخب مردم ایران می داند و با سایر رهبران جهان از سوی این مردم به گفتگو می نشیند. مضحکه ای است جهان!

تا زمانی که خرد جمعی مردم دنیا جایگزین نابخردی حکام آن نگردد وضع به همین منوال خواهد ماند. آن چه ایران را در سال های اخیر به کانون بحران تبدیل کرده و یک دم خواب راحت را از حکومت جمهوری اسلامی گرفته است، همین پیروزی نسبی خرد جمعی مردمی است که نزدیکی بسیاری بین ناخودآگاه فردی و گروهی شان ایجاد شده است. گرچه این نزدیکی می تواند تا حدودی توانسته در برخی موارد مانند انتخابات اخیر ریاست جمهوری اسلامی، به طور نسبی و موقت و در ظاهر به نفع حکومت نیز تمام شود. اما در نهایت برانداز و در راستای اهداف و منافع ملی ایران خواهد بود. طبقات در ایران امروز طبقاتی درخود هستند، یک انقلاب و جنگی خاتمان برانداز در دوده ی گذشته بر مردمی تحمیل گشته که دیگر توان پرداخت توانی دیگر را ندارند. گرچه دولت بناپارتی احمدی نژاد قصد دارد با تکیه بر سرمایه داری دولتی و یحتمل وابسته، عملکرد دهه ی نخست انقلاب را تجدید نماید، اما نشانه ها بیانگر این نکته هستند که با توجه به پیشرفت ابزارهای ارتباط جمعی و افزایش جمعیت و بخصوص جمعیت جوان کشور، وی موفق نخواهد بود.

تنها چاره ی پیش روی حکومت اسلامی سازش با سرمایه داری جهانی برای حفظ بقای خود است که چنین سازشی در نفس خود ناقض بقای این رژیم می باشد. در این بین اهم مسئولیت دامن گیر اپوزوسیون و گروه های مستقل سیاسی و اجتماعی است که با تحمل و مدارا با خود و نه با حکومت پیش روند و نظامی را پایه ریزی نمایند که توانایی جایگزینی داشته باشد. استبداد، یک بار و برای همیشه رخت بندد و ایران و مردم آن از زندانی که زمان ساخته رهایی یافته و با کمترین هزینه، پیروز میدان شوند. میدان خطیری که اکنون محل نزاع مافیای سرمایه داری جهانی و روحانیت شیعه ی حاکم است و پیروزی هر یک به نفع مردم نخواهد بود. گزینه ی پیش رو، پیاده سازی عدل و آزادی و رعایت حقوق آدمی است و پس.

مردم ایران از کره شمالی یا سوریه بسیار پیشترند، ایالات متحده می بایست به پژوهشی جامعه شناختی بپردازد تا نظریه پردازی های بی معنای سیاسی؛ گروه ها و احزاب و سازمان های اپوزوسیون ایران علی الخصوص در ماجرای اکبر گنجی ثابت کرده اند که می توانند بسیار قدرتمند و کارآمد عمل کنند. بازسازی بم پس از زلزله و سامان دهی آن توسط سازمان ها و

Spain:

امضا حمایتی نمایندگان چند میلیون کارگر در اسپانیا
 -Jesús Díaz de Durana, full time UGT official, Álava, Spain
 -Xaquín García Sinde, Miembro de la Comisión Ejecutiva Nacional de Galicia de
 -Lluís Perarnau, Delegado Junta de Personal por UGT de la UAB de Bellaterra
 -Miriam Muncio, Secretaria General Sindicato de Estudiantes, Estado Español
 Fundación Federico Engels
 -Bárbara Areal, miembro de la Presidencia de Izquierda Unida Madrid
 -GREGORIO GARCIA LATORRE, CGT (Confederación General del Trabajo) miembro del Comité de Empresa de Empresa
 -LLUIS PERARNAU REYESL, UGT secretario organización sección sindical y Universidad Autónoma de Barcelona (UAB), miembro de la Junta de PAS funcionario
 -JUANJO LOPEZ, Secretario General Sindicato de Estudiantes,
 -AGUSTÍN PLAZA, Secretario General de FIA UGT (Unión General de Trabajadores) de Alava
 -TXUS RODRIGUEZ, Delegada por UGT en Eclayr Prim. (Álava)
 -SALVADOR ARANDA Salvador Aranda, Presidente del Cte. de Empresa de Musera por la CGT (Confederación General del Trabajo) (Girona)
 -ANTONIO DAMIÁN MELLADO, miembro Junta Personal Administración del Estado en Barcelona - CCOO
 -JAIME VAZQUEZ, Delegado Sindical UGT- Madrid Transporte
 -ISIDORO HERRERO, Delegado Sindical UGT- Madrid Transporte
 -JESÚS DIAZ DE DURANA, liberado sindical UGT Álava
 -GINES PEREZ ABELLAN, Delegado sindical en Galvisia UGT Álava
 -HECTOR JIMÉNEZ LUCENA, Organizador Sindical Federación Regional de Transportes de UGT Madrid
 -LIBORIO PRO FRAILE, Comisión Ejecutiva de FIA UGT de Álava
 -DOMINGO LORENZO CASAS, liberado sindical UGT Álava
 -RAFA MARTÍN, Delegado por UGT en Galvisia Álava
 -ENRIQUE ALEJANDRE TORIJA, Delegado de la sección sindical del C.A.M.F. IMSERSO CCOO GUADALAJARA.
 -MIGUEL ANGEL DEL BARRIO, FeS-UGT Madrid
 -JUAN JESÚS CARRASCO, delegado sindical en SERUNION CC.OO. Málaga
 -DAVID BERNARDO NEVADO, miembro del Comité de Empresa del Hotel Puente Romano (Marbella) por CCOO
 -ANDRES DE LAS HERAS FERNÁNDEZ, Comisión Ejecutiva Unión Provincial CC.OO.
 -JOSE MARIA GIL, Presidente del Comité de Empresa de Progalsa por CCOO (Guadalajara)
 -JAVIER CABRERA, MCA-UGT Delegado en Gamesa-Moasa.
 -ARTURO VAL DEL OLMO, FSP-UGT, Ex-Secretario General de la UST en 1983-93 y de la UGT de Alava en 1976-83
 -JOSE HERNÁNDEZ GARRIDO, Secretario General Sección Sindical CC.OO. Auditorio Nacional-Madrid
 -ROCIO CRUZ JIMÉNEZ, Secretaria de Juventud Unión Comarcal Sur CC.OO. Madrid
 -PILAR UBEDA FERNÁNDEZ, Ex – presidenta Comité de Empresa Telefónica Móviles España
 -BEATRIZ DE DIEGO ALLENDE, Delegada Sindical por CC.OO-Madrid Sector Limpieza
 -FERNANDO ENCINA CALLEJAS, Delegado Sindical UGT- Madrid Transporte
 -OSCAR HIDALGO CARNICERO, Miembro del Consejo de la Sección Sindical de CC.OO de Metro de Madrid
 -CONCHI GARBI LOPEZ, Sección Sindical CC.OO – Telefónica Móviles España
 -PRIMITIVO ABELLA CACHERO, Secretario de Política Lingüística de la Federación de Enseñanza de CCOO de Asturias

کارگران ایران تنها نیستند!

برای حمایت از کارگران و زحمتکشان ایران در مقابل تهاجمات و حملات حامیان سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران، به حقوق اولیه دموکراتیک؛ ما امضا کنندگان زیر با ترتیب و سازماندهی و برگزاری هفته حمایت از کارگران ایران با صدای رسا اعلام می‌کنیم: «کارگران ایران تنها نیستند!»

هدف ما حمایت از کارگران و زحمتکشان ایران است که مورد ارباب و توهین و کشتار سرکوبگران نظام سرمایه‌داری قرار گرفته‌اند. ما خواهان تحقق نکات زیر هستیم: * احقاق تمام مطالبات کارگری از جمله حق اعتصاب؛ حق ایجاد تشکل مستقل کارگری؛ حق بیان و تجمع و ...؛

* پایان بخشیدن به تمام حملات فیزیکی، دستگیری‌ها؛ کشتار و شکنجه کارگران و زحمتکشان در کارخانه‌ها و شهرهای کردستان؛

* آزادی بدون قید و شرط تمام زندانیان سیاسی.

در هفته حمایت از کارگران و زحمتکشان ما در سطح بین‌المللی در هر کشوری که ساکن باشیم، نسبت به توان و امکانات و نیروی خود در اشکال مختلفی نظیر تظاهرات در مقابل سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های دولت جمهوری اسلامی یا هر مکان مناسب دیگر، ترتیب جلسات به زبان‌های محلی، مصاحبه‌های رادیویی و تلویزیونی و مطبوعاتی، جمع‌آوری کمک مالی برای کارگران، مراجعه به اتحادیه‌های کارگری برای جلب حمایت و همبستگی و غیره، اقدام خواهیم زد. ما وسیع‌ترین حمایت و همبستگی کارگری را در سطح جهانی را در دفاع از کارگران ایران جلب خواهیم داد.

دوستان، هم‌طبقه‌ای‌ها و رفقا

این اطلاعیه را امضا کنید و سازماندهی بین‌المللی در حمایت از کارگران و زحمتکشان را با هم آغاز کنیم. هفته اول ماه اکتبر را به هفته حمایت از کارگران و زحمتکشان ایران مبدل کنیم. بگذاریم صدای کارگران و نیروهای مترقی جهان در هر کارخانه و محل کارگری و شهرهای کردستان شنیده شود که: «کارگران ایران تنها نیستند!»

هماهنگ کنندگان:

- کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران
- اتحادیه سوسیالیست‌های انقلابی ایران
- سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
- کمیته خارج کشور
- شبکه همبستگی کارگری
- اتحاد چپ کارگری ایران
- کمیته هماهنگی هفته همبستگی با کارگران ایران – استکهلم
- جمعی از کارگران پیشرو تبعیدی – سوئیس
- اتحادیه ایرانیان سوسیالیست – آمریکا شمالی
- اتحاد چپ ایرانیان واشنگتن – آمریکا
- همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران – پاریس
- انجمن کارگری جمال چراغ ویسی
- Committee for a Marxist International

حمایت کنندگان:

* کمیته های کارگری در ایران:

- کمیته اقدام کارگری (ایران)
- عده ای از کارگران ایران خودرو

Belgium:

- Erik De Bruyn, shop steward Socialist Public Services Union, City of Antwerp (ACOD)
- Miguel Rubio, former convenor of the Metal Workers Union of Diamant Boart (CMB-FGTB)
- Erik Demeester, activist socialist trade union ABVV
- Maarten Van Heuverzwijn, editorial board of the Marxist paper Vonk
- Wim Benda, editorial board of the Marxist paper Vonk
- Filip Staes, member editorial board Marxist paper Vonk
- Niels Vandekeybus, Vonk

Belgium:

- Erik De Bruyn, shop steward Socialist Public Services Union, City of Antwerp (ACOD)
- Miguel Rubio, former convenor of the Metal Workers Union of Diamant Boart (CMB-FGTB)
- Erik Demeester, activist socialist trade union ABVV
- Maarten Van Heuverzwijn, editorial board of the Marxist paper Vonk
- Wim Benda, editorial board of the Marxist paper Vonk
- Filip Staes, member editorial board Marxist paper Vonk
- Niels Vandekeybus, Vonk

France:

- Hubert Prévaut, CGT Airbus, Toulouse.
- Jérôme Métellus, MJC, PCF, Paris 18e

Germany:

- Hans-Gerd Öfinger, editor of Der Funke, deputy chair, ver.di (German service sector and public sector union)
- Christoph Mürdter, editor of Der Funke, union activist (ver.di) and PDS member
- Pablo Alderete, und Delgierter IG Metall Delegierten konferenz in Esslingen

Venezuela:

- UNT: Union National de Trabajadores de Venezuela– Orlando Chirino (1.2 million)

Colombia:

- CUT: Trade Union Federation Colombia- Carlos Rodrigues Diaz (3.4 million)

Britain:

- Jeremy Dear, General Secretary, National Union of Journalists (35,000).
- Phil Waker, NEC, Communication Workers Union
- Nigel Pearce, NEC Member, NUM
- Phil Willis, Amicus
- Peter Currall, Amicus
- Des Heemskerk, Amicus Media and Campaigns officer (personal capacity)
- Rob Sewell, Vice-Chair NUJ, Central London Branch
- Graham Wilson, TGWU steward, Edinburgh CLP
- Pam Woods, UNISON
- Rob Walsh, member of the Labour Representation Committee, Amicus and Ealing North CLP
- Lennart Berg (Association of University Teachers- personal Capacity)
- Terry Brotherstone (Association of University Teachers- personal Capacity)
- Hillary Horrocks (National Union of Journalists - personal Capacity)
- Liz Leicester - Camden Trades Council and Unison (personal capacity)
- Linda Jansson –Unison (personal capacity)

Sweden:

- SAC: Syndicalists (Sweden)

- SERGIO GONZALEZ GACO, Miembro de la ejecutiva del sindicato minero metalúrgico de la Unión Comarcal de Gijón de CCOO
- CANDIDO GONZALEZ CARNERO, Delegado por CSI en el comité de empresa de Naval Gijón Xaquín Gª Sinde, CCOO. Ejecutiva astilleros Navantia-Ferrol.
- José R. Rico, CCOO. Ejecutiva astilleros Navantia-Ferrol.
- Antonio Hijano, Secretario General comarcal de la federación de la Tierra y Alimentación (FTA-UGT) de la Axarquía, Málaga. Delegado al próximo congreso federal de FTA-UGT.
- Miguel Manzanares, Secretario General de la sección sindical de UGT de empresa de aguas- Torremolinos.
- Pedro Martínez Díaz, afiliado al Sindicato Ferroviario (SF) y abogado laboralista
- Andreu Barber Rodríguez, afiliado a FeS-UGT
- Rubén Cervantes Batres, afiliado a la Federación Minerometalúrgica de CCOO
- Carlos Pineda, Presidente del comité de empresa de ECO Guadalajara por CCOO
- Hilario Gil, delegado del Sindicato de Trabajadores de la Enseñanza (STE-CLM) Guadalajara
- José María García, Ejecutiva Provincial de UGT de Guadalajara
- GLORIA CANEIRO, FSAP CCOO Toledo
- DAVID PARRILLA, FSAP CCOO Toledo
- SANTIAGO JIMÉNEZ SECRETARIO GENERAL DE CC.OO. EN VILLAVERDE DEL RÍO (SEVILLA) CONCEJAL DE IZQUIERDA UNIDA EN EL AYUNTAMIENTO DE VILLAVERDE DEL RÍO
- ANTONIO SAN ROMÁN COORDINADOR DE IZQUIERDA UNIDA DE CASTILLEJA DE LA CUESTA (SEVILLA)
- JOSÉ ANTONIO CABRERA AFILIADO AL SINDICATO DE OBREROS DEL CAMPO MIEMBRO DEL CONSEJO LOCAL DE IZQUIERDA UNIDA EN ARAHAL (SEVILLA)
- GOYO BARRANTES, miembro Cte. de empresa por UGT en Esmaltaciones San -Ignacio, Álava
- MIGUEL MICHITORENA Miguel Michitorena, FeS-UGT Madrid
- Italy: امضا حمایتی نمایندگان کارگران در ایتالیا
- Paolo Brini (Comitato Centrale Fiom-Cgil, Rsu Smalti - Modena),
- Paolo Grassi (SR Coordinamento nazionale Nidil-Cgil),
- Stefano Pol (Coordinamento nazionale Nidil-Cgil),
- Samira Giulitti (Fisac-Cgil Rsa Direct Line Milano)
- Sara Cimarelli (Fisac-Cgil Rsa Direct Line Milano),
- Mario Iavazzi (Cgil-Bologna),
- Antonio Forlano (Direttivo Lombardia Filt-Cgil Rsu Ups Milano),
- Giuseppe Lania (Filcams-Cgil Rsa Ipercoop S.San Giovanni-Milano),
- Orlando Maviglia (Direttivo Emilia Romagna Fiom-Cgil Rsu Motori Minarelli - Bologna),
- Davide Bacchelli (Direttivo Bologna Fiom-Cgil Rsu Ima),
- Laura Bassanetti (Fisac-Cgil Rsa Aci Global Milano),
- Giampietro Montanari (Fiom-Cgil Rsu Cesab Bologna),
- Ivan Serra (Fiom-Cgil Rsu Rcm Bologna),
- Davide Lissoni (Direttivo Brianza Fiom-Cgil Rsu ST Agrate-Milano),
- Nicola Ala (Fiom-Cgil Rsu ST Agrate-Milano),
- Piero Ficiara (Fiom-Cgil Rsu Terim Modena),
- Francesco Santoro (Fiom-Cgil Rsu Terim - Modena),
- Lorenzo Esposito (Fisac-Cgil Rsa Banca d'Italia Milano),
- Massimiliano Cavallotti (Filcams-Cgil Rsa Cofathec Milano),
- Fiammetta Fossati (Direttivo Nidil- Cgil Milano),
- Giuseppe Marazzi (Filt-Cgil Rsu Ups, Milano),
- Laura Parozzi (Filt-Cgil Rsa Ups, Vimodrone-Mi),
- Davide Tognoni (FP-Cgil Rsu Comune di Rolo Reggio Emilia),
- Francesco Merli (Direttivo Nidil-Cgil Bologna),
- Mauro Vanetti (Direttivo Nidil-Cgil Pavia),
- Simona Bolelli (Slc-Cgil Rsu SPS Modena).

Nigeria:

- Adegbile Isiaka, Campaign for Workers' Alternative Goke Akinrogunde, Lagos

-Martin Oscarsson, Gothenburg, Shop Steward, Teachers' union

*** احزاب و سازمان‌های خارجی و بین‌المللی:**

-Spain - El Militante
-Venezuela - El Topo Obrero / El Militante
-Socialist Appeal – Britain
-För Marxisten Arbetarrörelsen
-Arbetar makt
-Rättvisa Partiet socialisterna
-The Communist Party of Great Britain
- CPI (ML) - Communist Party of India (Marxist-Leninist)
- Chaudhry Manzoor Ahmad, Member of the parliament, President Pakistan Trade Union Defense Campaign
- Internationalt Forum/Middle East Group - Denmark

*** شخصیت‌های خارجی:**

-Professor Moshe' Machover (ostad daneshgah LSE London)-
Jenny Eriksson – Annika Johansson – P-H Johansson – Linnea Åberg. – Per Kolli- Johan Elfving. – Linda Jan. – Juha Hyttinen. – Maria Reeshman – Hedman. – Maria Höger. – Lina Fryklund. – Carolin Norgren – Johan Hallberg –Cliff Slaughter (ostad daneshgah) - Editorial Board of the journal Iran Bulletin- Middle East Forum. - Aksel Hagen (ostad dare ostane Oplande Norvej)- Turid Tomasen (Ostad daneshgah Lillehammer)- Professor Bridget Fowler - Glasgow University- Alexander John McBurney 'Workers Unity' Scottish Socialist party -Professor Istvan Meszaros (ostad falsafe marxisti va molaef ketab farassouye sarmayeh)- Donatella Meszaros -Colin Byrnes, CTC, IWW (in personal capacity)- Jim Smith (a member of UNISON, the public sector union) – Gopala Krishnan (Kuwait)-

*** تشکل‌های دمکراتیک در خارج کشور:**

- کانون دانشجویان ایرانی در هلند - سوسیالیست‌های انقلابی کردستان- انجمن کردهای لیل هامر (نروژ)- " کمیته پشتیبانی از حرکت «کارگران ایران تنها نیستند» - هامبورگ"- انجمن همبستگی کارگری ایران و سوئد- انجمن حق زنان -

*** سایت‌ها و وبلاگ‌های اینترنتی:**

- وبلاگ‌های ایران: **فعال جنبش کارگری، جوان سوسیالیست، کمونیست انقلابی، کارگران ایران تنها نیستند**
- سایت‌های خارج: - جنبش کارگری- گزارشگر- گلشن- تریفه- رهایی - www.laborstart.org- Indymedia

*** اتاق‌های پالتاک:**

- اتاق پالتکی ایران سوسیالیست فوروم

*** رادیوها:**

- رادیو آوا – هانور- روزه لات- رادیو صدای کومه‌له در شهر یتوبوری پیام نشریه سیاسی -اجتماعی – رادیو همصد-

*** شخصیت‌های ایرانی:**

خانواده شهبانی- امینه کاکابوه- وحید صمدی- بهروز سورن- پویا محمدی- سهیلا نیک‌نژاد- سهیلا محمدی- شهیار محمدی- نادر عرفانی- فراز رها- فرزاد حق‌پرست- عزیز آرمان- فرود سیاوش‌پور- داود عزیزیان- فرزاد فخراله- آمانی- بهزاد فخراله‌آمانی- بختیار فخراله‌آمانی - کمال محمدی- آکو انوری- شهاب گوللان- مجید دلیریان- ایرج عبدالهی- نجم‌الدین محمدزاده- عبدالله حالادجی- مناق فزنی- کلاویژ محمدزاده- عبدالله بیگ‌زاده- گوهر معمارزاده- صلاح نادری- حسین ظهرانی- ارسطو شعبانی- امید ابراهیمی- امید رستم‌گرچی- بهنام چنگایی- مهدی ریاضی- رضا رئیس دانا- رامین مولائی- سارا قاضی- طاهر عابری - طیب جلالی- هوشیار الیاسی- محمود جدی- هریش فتحی- علی رزاقی- طاهر بدافی- مهدی- ناشا محمدعلی- سارا علی عمر- روحی غلی‌پور- آلان علی فریدون- پری مرزا- حشمت سلطانی- ک. دبیری- بهرام-

زهره، م- مشهد علی- محمد ذکا- سعید حمید عبدالحسین - پیروز زورچنگ- حیدر خدری- داود شاه- نشین- حسن نقی‌پور- آرس زارعی- عرفان مروت- سیامک مؤیدزاده- حجت سهرابی- فرشید شکری- سمیرا حاجی میرزا- باقر شکری- اکبر مرتضوی- یاشار آذری- کوروش منصوران- احمد مزارعی- خالد ایصافی- علی پیچگاه- مظفر فلاحی- اردشیر نصراله بیگی- هدیه کیانپور- کاوه امیری- آلیسا امیری- مونا امیری- حسن امیری- آرمان امیری- سلاح کریمی- محمود مینارودی- یدی پهلوانی- ناهید یونسی- محیه ایرجی- حسین حمیدی- عادل الیاسی- نیما شهبازی- ژیان شهبازی- ناصر طاهری- آرزو عظیمی- آرمان عظیمی- یونس خلیل آقایی- سلیمان امین زاده - فاروق کنانیان- شورش صالحی - محمد قادری- احمد شریفی- امید پویا- سلمان خذری- زینب محمد زاده- هاردوک علی- رحمان ملکی- خالد رحمان- شمس معروفی- سوزنا سعید- خدیجه احمدی- ارس زارعی- زری عرفانی- عباس گویلی- صدیق اسماعیلی- احمد اسماعیلی- هیوا اسماعیلی- هیوا بهار- نسرین سهرابی- رونک فریدی- علی اسماعیلی- خدر حسن نژاد- حسن رسول عبدالله- خدر مطیع- سروه شریفی- سحر شریفی- احمد شریفی- زینب محمدزاده- شبیرین رسولی- شهلا رسولی- حسین رسولی- جمال رسولی- جلال خدری- جلال ابراهیمی- کاله شمسی- تریفا رسولی- خلیل رسولی- شورش رسولی- رسول رسولی- شلر خذری- شاهو خذری- حسین خذری- ابراهیم احمدیان- طلا سلیمان پور- رونک خذری- کامران احمدی- مهرداد بختیاری- داریوش نیکجو- کامران دباغیان- سهند شاپان- شاهو شریفی- حمید آذر- ایراندخت فرخی- فرخنده آشنا - شفقت حسین - برهان عظیمی- پروانه بگاه- سعید قربانی - اقبال خاتمی- عباس مطاهری- شیوا - ارینا -ب- هانا.ش- همدل - آزاد نیک‌اندیش- سروه رها- سارو- شاهنده- غرب- آشنا- روزبه- پویان- آتشیگاه- بیباک- زمانی- عسل بیبا- هناره، م- شهلا س- سیروان فتحی- سیاوش محمودی- اسد گلچینی- دیده روشن- پروانه وزیری- روژین شرقی- آرزو مساوات- حسین محمدی-

لطفا امضاها را به نشانی پستی زیر ارسال کنید تا در لیست درج گردد و برای سایرین فرستاده شود:

kargar.iran@gmail.com

25 سپتامبر 2005 - 3 مهر 1384

2005/9/19

رفقای گرامی

با سلام و خسته نباشید،

طی نشست با شرکت عده ای از فعالین سیاسی و کارگری هامبورگ، اقدام به تشکیل " کمیته پشتیبانی از حرکت «کارگران ایران تنها نیستند» - هامبورگ" نمودیم، این کمیته به این وسیله پشتیبانی خود را از این حرکت اعلام می نماید و خواهش می کنیم اسم کمیته ما را هم به لیست حمایت کنندگان اضافه نمایند. در این نشست تصمیماتی با توجه به محدودیت زمانی و نیرو گرفته شد که سعی خواهیم کرد در حد توان خود به آنها عمل کرده و خود را با حرکت شما هماهنگ کنیم. ما امیدواریم که این کمیته بتواند با جلب سایر گرایش‌ها و نیروهای بیشتر، تداوم یافته و در آینده گام‌های مؤثرتری در جهت پیوند جنبش کارگری ایران با جنبش کارگری جهانی بردارد. **شاد و موفق باشید**

" کمیته پشتیبانی از حرکت «کارگران ایران تنها نیستند» - هامبورگ"

ره یافتن به سوسیالیسم

نوشته: هری مکداف و فرد مکداف
برگردان: مرتضی محیط
قسمت پنجم

مانتلی ریویو :
جولای 2005



هری مکداف و بل سونیری

4- «سوسیالیسم بازار» در برابر اقتصاد با برنامه

گفته میشود که علت اصلی افول اقتصاد شوروی و خود شوروی به واسطه شکست برنامه ریزی مرکزی بوده است و فروپاشی شوروی حتی «ثابت میکند» که برنامه ریزی مرکزی عملی نیست. برخی از افراد پیشرو هم به جای اقتصاد با برنامه به دفاع از «سوسیالیسم بازار» برخاسته اند. اینان الگوهای از سوسیالیسم بازار مطرح میکنند که قرار است همه ی بدیختی ها را درمان کند؛ مدلهایی که برانزده قامت هر وضعیت تاریخی است. این رویکرد بر پایه دو فرضیه قرار دارد: الف - برنامه ریزی غیر عملی است، و ب - بازار، زیر کنترل صحیح میتواند جامعه سوسیالیستی و انسانی به وجود آورد. ما با هر دوی این فرضیات مخالفیم.

مهم این است که هم جنبه های خوب و هم بد برنامه ریزی در شوروی را بشناسیم: آن نوع برنامه ریزی بود که کشوری عقب افتاده و توسعه نیافته را به جامعه ی صنعتی پیشرفته ای تبدیل کرد. همانطور که قبلا در بخش 3 اشاره کردیم شوروی ظرفیت تولید قدرت نظامی توانمندی را پیدا کرد که توانست در برابر قدرت نظامی کشوری بسیار پیشرفته و صنعتی بایستد. شوروی با جایگزین کردن بسیاری از کارخانجات به کوههای اورال و آموزش نیروی کارگری بی تجربه ای در مدتی کوتاه توانست صنایع خود را از خطر نجات دهد. این کارها بدون برنامه ریزی امکان پذیر نبود. حتی ایالات متحده مجبور شده بود برای تأمین آذوقه و مهمات برای ارتش خود در جنگ دوم جهانی نوعی برنامه ریزی مرکزی اتخاذ کرده و پیاده کند.

نقص ها و کمبودهای اقتصاد شوروی که مدت کوتاهی پس از بازسازی خرابی های جنگ دوم آشکار شد پیامد شکست برنامه ریزی مرکزی نبود بلکه به دلیل شیوه ای بود که برنامه ریزی پیاده میشد. برنامه ریزی مرکزی در دوران صلح نیازی به کنترل مقامات مرکزی به جزئیات تولید ندارد. فرماندهی از بالا و نبود دموکراسی نه تنها جزو ضروری برنامه ریزی مرکزی نیست بلکه به برنامه ریزی خوب لطمه میزند.

پیش از آنکه سوسیالیسم بازار را مورد بحث قرار دهیم لازم است بدانیم که بازار خود، تاریخی دارد و برحسب سازماندهی های اجتماعی مختلف تغییر میکند. بازار به انواع گوناگون اش عملا از هزاران سال پیش وجود داشته است. دیرگاهی پیش از تشکیل شهرها با قشریندی طبقاتی شان، قبیله ها گاه به گاه دیدار میکردند و فرآورده های خود را با هم تبادل و معامله میکردند. با ایجاد طبقات - دهقانان، صنعتگران، کارکنان دولت (بردگان، کاتبان و شاهان) و کاهنان و غیره بازار بخش عادی از زندگی روزانه مردم شد که در آن فرآورده ها به فروش میرسید و مالیاتها جمع آوری میشد تا کارکنان غیر مولد بتوانند نیازهایی ضروری مثل غذا، دیگ و لباس خود را تهیه کنند. بازارهای

سنتی با عرضه کردن فرآورده های متنوع در یک جا وسیله ای راحت برای مردمی بود که میخواستند همه ی آن اجناس را خریداری کنند.

بازارها گرچه در تمدنهای پیشین اهمیت داشتند اما با رشد سرمایه داری و کالایی شدن همه فرآورده ها و خدمات از جمله کار و طبیعت، اهمیت حیاتی پیدا کردند. در سرمایه داری عملا چهار نوع بازار داریم که از نظر تئوریک قرار است برای خیر و صلاح همگانی به طور هماهنگ با هم کار کنند.

نخست بازار کالاهای مصرفی را داریم. از دیدگاه نظریه پردازان بازار، قیمت این کالاها بر پایه میزان نسبی عرضه و تقاضا تعیین میشود و از قرار معلوم زمانی به حال توازن میرسد که عرضه برابر با تقاضا باشد. خدمت دیگر بازار این است که تولیدکنندگان (سرمایه داران) را مطلع میکند که مردم خواهان چه کالاهایی هستند. به عبارت دیگر بازار راهنمای سرمایه داران برای تصمیم گیری شان درباره سرمایه گذاری و تولید است. به طور مثال آیا تعداد مردهای بیشتری کراوات آبی میخواهند یا قرمز؟ در آن صورت تعداد بیشتری از آن تولید خواهد شد. یا اگر مردم اتومبیل بیشتری میخواهند در آن صورت باید کارخانه جدید اتومبیل سازی بر پا کرد. گرچه مردم تصور میکنند در انتخاب آنچه میخواهند بخرند آزادند، اما همانطور که قبلا اشاره کردیم (بخش ۲) تبلیغات تجارتي سهمگین روی بسیاری از این تصمیم گیری ها اثر میگذارد و حتی برای فرآورده هایی که استفاده چندانی ندارد یا کاملا بلااستفاده است تقاضا به وجود میآورد. شکی نیست که فرهنگ عمومی سرمایه داری و چشم و هم چشمی در ایجاد جامعه ای که تمرکز اصلی اش بر مصرف هر چه بیشتر است نقش بازی میکند.

بازار نوع دوم در سرمایه داری بازار کار است. کارفرماها از بازار ذخیره کار که زیر کنترل آنها عمل میکند استفاده میکنند تا کارگران خود را استخدام کنند. از دوران جنگهای بزرگ که بگذریم معمولا تعداد قابل توجهی بیکار وجود دارد. برای اقتصاد سرمایه داری بهترین موقعیت در زمانی است که تعداد زیادی بیکار در جستجوی شغل باشند تا بتوان میزان دستمزدها را پائین نگهداشت. از طریق عملکرد بازارهای مختلف و سیاست های حساب شده میتوان ارتش ذخیره کار دائمی به وجود آورد. مزد کارگران و شرایط کار نتیجه و ماحصل مبارزه طبقاتی است. بازار سوم، بازار کالاهای سرمایه ای است که وسعت و سمت گیری اش به میزان سرمایه گذاری (چه سرمایه گذاری داخلی و چه در شعبات خارجی) و کوشش در افزایش بهره وری (Productivity) کار و سرمایه بستگی دارد.

بازار چهارم، بازار پول (بازار مالی) است - ادارات مرکزی جهان سرمایه داری، بخشی از این سرمایه صرف ادامه فعالیت تولیدی میشود (سرمایه ها و وامهای فعال در گسترش کسب و کارها)؛ بخش بزرگ دیگر پولهایی است که خود، پول میسازند. مارکس تولید سرمایه داری را اینطور بازنمایی میکند: M-C-M.

M پولی را نمایندگی میکند که برای خرید نیروی کار، مواد اولیه و ماشین ها جهت تولید کالا (C) به کار میرود. فروش کالاها موجب به دست آوردن مبلغ سرمایه گذاری اولیه به علاوه ارزش اضافی (M) میشود. اما علاوه بر این و در رابطه با فرمول اول، رابطه ی M-M را هم داریم؛ یعنی پولهایی که از طریق بورس سهام، انتشار اوراق قرضه دولتی و شرکت ها به علاوه کوهی از نقدینه در مخازن بانکها، شرکتهای بیمه و ثروتهای افراد بسیار ثروتمند که در انواع سفته بازی ها سرمایه گذاری شده اند و پول میسازند. با دادن اعتبار (credit) به مردم (کارتهای اعتباری، وام منزل و اتومبیل و غیره) نیز میشود از پول، پول ساخت. در حالیکه هدف همه این تکنیک ها، چه از طریق سرمایه گذاری و چه سفته بازی، کسب سود است، بنیان نهایی فرمول M-M همانا ارزش اضافی است که توسط نیروی کار داخل و خارج کشور به وجود میآید. بازار مالی (پول) چرخ و دنده سرمایه داری را روغن کاری میکند و مثل دیگر چیزها در چرخ و دنده های زندگی و رشد کشورهای سرمایه داری، به دلیل سوددهی، حرکت کل سیستم و فعالیت هایش را برمیآنگیزد. البته به طور همزمان بحران های مکرر هم میآفریند چرا که سفته بازی در سرشت رابطه ای M-M نهفته است.

ره یافتن به

توده مردم؟ وابسته کردن تخصیص منابع به شرایط بازار به جای برنامه ریزی محلی و منطقه ای و ملی، بهترین وسیله ایجاد و باز تولید اختلاف قدرت است که بر جای خواهد ماند. خواست های آنانی که قدرت و ثروت بیشتری دارند لاجرم تأثیر بیش از اندازه ای بر آن چه اتفاق خواهد افتاد میگذارد. حتی اگر کارخانه ای به صورت تعاونی کارگران بگردد، چنانچه کنترل به دست بازار باشد مدیران تحت تأثیر همان نیروهای خواهند بود که در موسسات سرمایه داری میبینیم. کارگران ناچارند تسلیم منطق بازار شوند، همانطور که شاهد این واقعیت در معدودی شرکتها در نظام سرمایه داری که مالکیت و مدیریت آن در دست کارگران است بوده ایم.

گرچه بعضی بر این باورند که برنامه ریزی شدنی نیست اما توزیع منصفانه منابع محدود بدون برنامه ریزی ممکن نیست. در جوامع سرمایه داری هم تا میزانی و در سطوح مختلف در موسسات، برنامه ریزی صورت میگیرد. اما حتی جامعه سرمایه داری هم در رویارویی با مشکلات سهمگین ناچار است در سطح وسیع دست به برنامه ریزی زند. در جنگ جهانی دوم، ایالات متحده بدون برنامه ریزی مرکزی نمیتوانست در مدت کوتاهی مسیر اقتصاد خود را تغییر بدهد تا بتواند تسلیحات، هواپیماها، کشتی های جنگی و تجارتی نه تنها برای خودش بلکه برای تجهیز کردن ارتش های انگلیسی و شوروی فراهم آورد. برای تغییر مسیر تولید و مواد خام به سوی تولیدات جنگی، صاحبان صنایع اتومبیل سازی از عرضه اتومبیل شخصی به بازار به میزان معمولی و سازندگان منازل مسکونی از ساختن خانه های شخصی ممنوع شدند. به دلیل کمبود مواد لازم، حتی سرعت تولید بعضی لوازم نظامی را هم مجبور شدند کم کنند تا تجهیزات ضروری تر برای جنگ تهیه شود.

برنامه ریزی بی نقص نبود و همه نیازهای متناقض با هم نمیتوانست رفع شود. حتی بعضی موسسات در برنامه ریزی خرابکاری میکردند. اما با این همه در پایان، برغم تمام اشتباهات و اصطکاک ها حتی همین برنامه های دست و پا شکسته دستاوردهای باورنکردنی داشت. عامل پر اهمیت در موفقیت برنامه این بود که انحصارات غول آسا هم دارای وسایل و هم تجربه برنامه ریزی برای شبکه کسب و کار خود بودند. ایجاد صنعتی پیشرفته و چشمگیر در ایالات متحده (و دیگر کشورهای سرمایه داری اصلی) الزاماً ریشه در برنامه ریزی مرکزی در سطح تک تک شرکتها داشته است.

نکته کناری اما حائز اهمیت آنکه هر چه مگداف حین جنگ جهانی دوم سخت دست اندرکار برنامه ریزی برای موسسات سازنده ابزار ماشینی در ایالات متحده بود. سازش دادن موسسات تولیدی با این برنامه ریزی به دلیل خودخواهی آنها، یا شیوه تفکر کاسبکارانه شان وقت زیادی میگرفت. در مرحله اول موانع بر سر راه تولید هواپیما زیاد بود و تولید نیازهای اضطراری را محدود میکرد. یک شرکت هواپیماسازی ابزار ماشینی نوع معینی بیش از نیاز خود داشت در حالیکه از نوع دیگر به اندازه کافی نداشت. در بسیاری از موسسات به دلایل مشابه تولید متوقف میشد. از هر چه مگداف خواسته شد کوشش کند راه حلی برای این کار پیدا کند. او هم راه حلی ارائه داد که با موفقیت پیاده شد. برنامه عبارت بود از هماهنگ ساختن روال عرضه مصالح لازم، طولی نکشید که برنامه - تا حد زیادی به دلیل اهمیت دادن به عامل انسانی - موثر افتاد. آموزش رهبران اقتصاد این بود که بازار راهنمای عملشان باشد. حسابدارها و دیگر کارمندان اداری عاداتی دیرپای کار داشتند و حال کار معمولی آنها سریعاً مبیایست تغییر میکرد. با کارفرماها مشورت شد و پیشنهادات آنها به طرح جزئیات برنامه کمک کرد. از کارمندان اداری خواسته شد در کار خود دقت استثنایی به کار برند. برای جلب همکاری لازم گردهمایی هایی بدون حضور کارفرمایان با کارگران گذاشته شد. برنامه برای آنها توضیح داده شد و دلایل پیاده کردن آن برایشان بیان گردید. سپس از کارگران خواسته شد نظرات و پیشنهاداتشان را ارائه دهند. همین پیشنهادات و نظرات در شکل دادن نهایی برنامه تأثیر گذاشت.

افرادی که نسبت به کارآیی یا حتی امکان برنامه ریزی مرکزی شک و تردید دارند فقط کمبودهایش را میبینند اما

(نیاز به بازار مالی توضیح دهنده این است که چرا در همان مراحل اول پیاده شدن سوسیالیسم بازار در چین بورس سهام و دیگر نهادهای مالی آغاز به کار کردند). اهمیت ایجاد مقادیر عظیم و فزاینده وام را - که نتیجه فعالیت شدید M-M است - برای حفظ گردش کار نظام، از ابعاد آنچه در 30 سال گذشته اتفاق افتاده است میتوان فهمید. مجموع وام های مصرف کنندگان، دولت، به علاوه فرضهای مالی و غیر مالی انحصارات در آمریکا (31 تریلیون دلار) یعنی 300 درصد تولید ناخالص داخلی این کشور است!

در اقتصادهای زیر کنترل بازار، هدف هر چهار نوع بازاری که شرح داده شد باز تولید ساختار طبقاتی موجود و ارضای نیازها و خواستههای صاحبان وسایل تولید، دستگاه دولتی و دیگر سردمداران جامعه است. در الگوهای سوسیالیسم بازار که مطرح میشود عموماً رابطه میان سیستم اجتماعی و بازاری که در خدمت آن است نادیده گرفته میشود. بررسی یک یک این الگوها به نظر ما ارزش ندارد. اما ذکر یک مثال مسئله را روشن میکند. یکی از این الگوها بر این باور است که در عین حال که دارائی های کشور به همه مردم تعلق خواهد داشت، هر یک از واحدهای اقتصادی (کارخانجات و غیره) توسط کارگران کنترل و مدیریت خواهد شد. فرآورده ها در بازار فروخته خواهد شد (و بدین ترتیب اطلاعات لازم از لحاظ گرایش بازار برای مدیران فراهم میشود)، مالیاتهای پرداخته شده توسط هر موسسه به صندوق عمومی و ملی خواهد رفت و به مناطق مختلف کشور به نسبت جمعیت آنها تقسیم خواهد شد. به نظر میرسد که این دموکراسی است. آیا به راستی چنین است؟ اختلاف میان سطح زندگی مناطق مختلف حتی در کشورهای سرمایه داری پیشرفته هم وجود دارد. این مسئله مسلماً در مورد ایالات متحده، انگلیس، فرانسه، آلمان و ایتالیا صادق است. با توجه به این مسئله، توزیع سرانه مازاد اقتصادی به طور مساوی با احتمال زیاد منجر به اختلاف بیشتر میان مناطق مختلف خواهد شد، زیرا مناطق ثروتمندتر از قبل با بهره کشی از مناطق فقیرتر صاحب زیرساخت و وسایل لازم برای ادامه رشد بوده اند و حال باز هم پول بیشتری به آنها تزریق میشود. مناطق فقیرتر در مقایسه با مناطق ثروتمند نیاز بیشتری به گسترش زیرساخت خود دارند - چه از نظر وسائل صنعتی، چه مسکن، بیمارستان و وسایل حمل و نقل بهتر. بنابراین اگر هدف سوسیالیستی بخواهد در مناطق مختلف شکل عادلانه ای به خود گیرد و بر وضعیتی که موجب بهره کشی مناطق ثروتمند از مناطق فقیر میشود فائق آید، سهم بیشتری از درآمد ملی باید به آنها تعلق گیرد. منطقی هم خواهد بود انتظار داشته باشیم مناطق مختلف بر سر منابع محدود و قابل دسترسی با هم رقابت کنند. برای جلوگیری از برخورد و اتلاف منابع، راه هایی برای ایجاد هماهنگی باید پیدا کرد و این نیاز به برنامه ریزی ملی و منطقه ای دارد. اگر نابرابری در سطح جهانی را هم در نظر بگیریم، این نوع الگوهای سوسیالیسم بازار فقط نا برابری های موجود را بازسازی میکند.

برای از میان بردن طبقات و رفع نیازهای توده مردم و حفظ محیط زیست، برنامه ریزی و کنترل آن ضرورت اساسی دارد. این به معنای انکار وجود ضعف ها و کمبودهای احتمالی در اقتصاد با برنامه نیست - تحکم، راهنمایی غلط توسط دیوانسالاران صاحب امتیاز برای پیشبرد منافع خودشان، انعطاف ناپذیری، نبود دموکراسی در محل کار و غیره. برنامه ریزی هدفمند سوسیالیستی در راهی که قبلاً هیچگاه امتحان نشده نیاز به آزادی بحث، شرکت فعال کارگران در تصمیم گیری ها و فضا برای آزمون و خطا دارد. روی گرداندن از برنامه ریزی و هماهنگ سازی و سپردن تصمیم گیری درباره سرمایه گذاری و توزیع به دست بازار، منجر به رها کردن حرکت به سوی سوسیالیسم خواهد شد. مسئله تا حد زیادی بستگی به آن دارد که چه نوع رشد اقتصادی و برای چه کسانی میخواهیم. آیا هدف، صرفاً تولید به خاطر تولید است و توجه به اشیا و نه

ره یافتن به ...

را بهبود بخشد. زندگی میتواند در هماهنگی با طبیعت، ادامه یابد، طبیعتی که زندگی ما وابسته به آن است و این همه نعمات ملموس و غیرملموس به ما ارزانی میدارد. جامعه میتواند کوشش کند خدمات بیشتر سیستم های طبیعی را که به موجودات روی زمین از جمله انسان زندگی میبخشد حفظ کرده و ارتقاء بخشد - سیستم های آب سالم و تمیز (آبهای زیرزمینی، آب شیرین روی زمین و اقیانوسها) هوای تمیز و خاک بارور و غیر آلوده. غذا را طوری میشود تولید کرد - با رفتار انسانی با حیوانات - که بهزیستی انسان و محیط زیست حفظ شود. منابع طبیعی تجدیدپذیر را میشود طوری کنترل کرد که هم این منابع و هم محیط زیست حفظ شوند. برای انواع موجودات در معرض خطر میتوان زیستگاه مخصوصی به وجود آورد و نسل آنها را گسترش داد.

ادامه دارد

گزارشی از شیوع ایدز در میان زنان دنیا

در سرتاسر دنیا منطقه آفریقا بیشترین تعداد مبتلایان به ایدز را داراست. در سال 1985 به سختی نیم میلیون مرد و نیم میلیون زن مبتلا به ایدز در آفریقا زندگی می کردند اما در سال 2003، 23 میلیون نفر بین سنین 15 تا 49 سال مبتلا به ایدز بودند که از این میان، 57 درصد یا 4/1 میلیون نفر آنها را زنان تشکیل می دهند.

به گزارش خبرگزاری زنان ایران {ایونا} زنان جوان که در سنین 24-15 سال می باشند هم اکنون بیشتر از 3 برابر نسبت به مردان احتمال مبتلا شدنشان را به ایدز وجود دارد.

آسیا - در این منطقه 7/4 میلیون نفر با ایدز زندگی می کنند که این امر می تواند عاملی برای انتشار ایدز سرتا سر جهان در دهه های بعد باشد.

اروپا - تا پایان سال 2003، در حدود 1/3 میلیون نفر در اروپای شرقی و آسیای مرکزی مبتلا به ایدز بودند که 33 درصد از این مبتلایان را زنان تشکیل می دهند.

آمریکا - تا پایان سال 2003، نزدیک به 2 میلیون نفر بین سنین 15-49 سال که مبتلا به ایدز بودند در آمریکای لاتین و جزایر کاریب زندگی می کنند که 49 درصد از این افراد را زنان تشکیل می دهند. در آمریکای شمالی، محلی که این اپیدمی قابل کنترل نمی باشد، میزان گسترش ایدز در زنان از سال 2001 تا 2004، 5 درصد افزایش پیدا کرده است که این بیشترین افزایش تعداد مبتلایان زن در دنیا باشد زنان آمریکایی و اسپانیولی 80 درصد موارد ایدز را در میان زنان در سال 2000 داشته اند.

به گزارش خبرگزاری زنان ایران {ایونا} تعداد زیادی از زنان جوان راه های انتقال و سرایت این بیماری را نمی دانند به عنوان نمونه تنها 50 درصد از زنان جوان در آسیای جنوبی و آفریقا اطلاعاتی در این مورد دارند. ازدواج می تواند یک خطر جدی برای اثرات HIV بر روی زنان باشد تحقیقات در کنیا و زامبیا نشان داده است در کشور برزیل سرعت ابتلا به ایدز بین سال های 1997 و 2001 سه برابر شده است.

دانشمندان پیشنهاد کرده اند که اگر همه کودکان یک دوره آموزش های دانمی داشته باشند در حدود 700 هزار مورد HIV که در افراد مسن وجود دارد می تواند موجب پیشگیری از مبتلا شدن از 7 میلیون نفر در یک دهه شود.

علیرغم وجود مدارکی که نشان می دهد آموزش می تواند کمک بزرگی برای منتقل شدن ایدز باشد یک تحقیق اخیر نشان می دهد که در حدود 40 درصد از کشورها هیچ گونه آموزش و اطلاعاتی در مورد ایدز ندارند.

ازدواج های زود هنگام، دختران را در معرض آسیب ابتلا به ایدز قرار می دهد. در دنیا 82 میلیون دختر وجود دارد که بیشتر آنها از خانواده های فقیر می باشند که قبل از 18 سال ازدواج خواهند کرد و بیشتر نسبت دختران ازدواج نکرده در خطر ابتلا و مواجه با اثرات این بیماری هستند.

دستاوردهایش را انکار میکنند. در برنامه ریزی مرکزی هیچ چیزی وجود ندارد که به فرماندهی از بالا و واگذار کردن همه جنبه های برنامه ریزی به مقامات مرکزی احتیاج داشته باشد. چنین چیزی به دلیل نفوذ منافع خاص دیوانسالاری و قدرت بیش از حد دولت اتفاق می افتد. برنامه ریزی اگر برای مردم باشد باید آنها در تصمیم گیری هایش شرکت داشته باشند. برنامه های منطقه ها، شهرها و شهرک ها نیاز به مشارکت فعال مردم محلی، کارخانجات و فروشگاهها در شوراهای کارگری و مردمی دارد.

برنامه کلی - بویژه در مورد توزیع امکانات مالی میان کالاهای مصرفی و سرمایه گزاری - نیاز به مشارکت مردم دارد. برای این کار هم، مردم باید واقعیت ها را بدانند و این شیوه ساده ای برای آگاه سازی آنها و شرکتشان در تصمیم گیری های بنیانی است.

5- ساختن جامعه ای سوسیالیستی

به قول دانیل سینگر: «نیاز به مانیفست نوینی داریم. نه یک طرح کلی و نه برنامه ای جزء به جزء بلکه یک پروژه، یک بنش برای جامعه ای متفاوت و اثبات اینکه تاریخ به پایان نرسیده و آینده ای فراسوی سرمایه وجود دارد.» (مانتلی ریویو - مه 1998)

الف - هدفهای بنیانی سوسیالیسم داشتن یک رشته ایده آل ها، و رویاهای ناکجاآبادی کار آسانی است. اما پیش بینی اینکه یک جامعه سوسیالیستی واقعی - جامعه ای انسانی، از نظر محیط زیست سالم، تعاونی، برابری طلب و دموکراتیک - چگونه خواهد بود ممکن نیست. رویاها را باید با امکانات مادی و منابع انسانی و طبیعی، فرهنگ و خواستههای مردم انطباق داد و از طریق مبارزه ای طولانی مدت به آن واقعیت بخشید. جامعه نوین اگر قرار است سوسیالیستی باشد در راستای الگوهای ابداع شده از سوی روشنفکران و احزاب ساخته نخواهد شد. سوسیالیسم بنا به سرشت اش باید توسط مردم و در تطابق با خواستههای آنها ساخته شود. این جامعه باید نتیجه تصمیم گیری های مردم و در سازش با امکانات مادی و انسانی قابل دسترس و در تطابق با فرهنگ در حال پیشرفت مردم باشد. در اینجا میخواهیم نظر خود را درباره اصولی بیان کنیم که میتواند به برپایی دنیایی بهتر کمک کند:

- 1- از میان بردن سلطه ی انسان بر انسان و استثمار انسان از انسان
 - 2- رفع نیاز فقیرترین، ستمدیده ترین و مورد تبعیض قرار گرفته ترین توده مردم باید در اولویت نخست و تعیین کننده قرار گیرد.
 - 3- رعایت این حداقل حقوق بنیانی برای همه مردم: سه وعده غذایی کافی در روز، داشتن شغل، سرپناه مناسب، آموزش مناسب، خدمات پزشکی و محافظت از سالمندان و معلولان.
 - 4- اقدامات جدی در جهت رفع تبعیض نژادی، دینی و قومی دستکم از طریق جبران واقعی و قطعی این تبعیض ها.
 - 5- کنترل کارگری بر کارخانه ها، مزارع و موسسات تعاونی و اشتراکی
 - 6- چرخیدن کارها و مشاغل بین کارفرماها و کارگران و بین کارگاهها و بخش های مختلف فعالیت های اجتماعی.
- فرض بر این است که برای کارآئی جامعه، کارخانه و اداره به تقسیم کار شدید نیاز دارد. در حالیکه مسئله مهم کوشش در کاهش تقسیم کار است چرا که تقسیم کار اختلاف میان مردم را تداوم میبخشد. صرفنظر از سختی کار پشت تسمه نقاله یا پای کامپیوتر، تقسیم کار به ایجاد سلسله مراتب کمک میکند. مدیران میتوانند یاد بگیرند که کارگر بودن یعنی چه و کارگران نیز میتوانند فراگیرند که مدیران چه میکنند و بدین ترتیب خطر برقراری همیشگی سلسله مراتب کاهش مییابد (چه گوارا موقعی که رئیس بانک مرکزی کوبا بود، ماهی یک هفته به عنوان کارگر معمولی کار میکرد).

- 7- تفاوت حقوق و دستمزدها از بالاترین تا پائین ترین مشاغل باید کم باشد.
- 8- رفراودوم و فراخوانی مقامات و رهبران باید به آسانی صورت گیرد.
- 9- سلطه و نفوذ ایالات متحده بر بقیه جهان باید برداشته شود. تمام پایگاههای نظامی خارجی باید برچیده شوند. تمام دارائی های انحصارات آمریکایی در خارج باید به دولتهای مربوطه و یا مستقیما به کارگران برگردانده شود. علاوه بر آن بانکها و شرکتهای بیمه و غیره آمریکایی باید از این کشورها برداشته شده و تمام وامهای مقروض به ایالات متحده حذف شود.

10- وحدت میان انسان و طبیعت باید دوباره برقرار شود. این کار، شیوه جدیدی از رویکرد در تمام فعالیت ها میطلبد - در کارخانه ها، در کشتزارها، در حمل و نقل و در خانه سازی. با حفظ اصول حفظ محیط زیست بر پایه ویژگیهای یک سیستم بوم شناسی قدرتمند، طرح راههای جدیدی امکان پذیر میشود که در آن فعالیت های انسانی کم خطر و در اشتراک مساعی با طبیعت باشد و حتی کیفیت محیط زیست